غلبه انسان درنبرد بانفس وشیطان از دیدگاه قرآن و روایات

حیدر رجایی[1]

چکیده

یکی از کاربردی ترین موضوعات قرآنی وتربیتی درقرآن کریم توجه دادن انسان به شناخت و معرفت نفس، انسان شناسی و شیطان شناختی است.دراین نوشته سعی شده است تحت یک قاعده قرآنی به نام قاعده ی غلبه(یاپیروزی انسان بردو دشمن ؛درونی وبیرونی یعنی نفس امّاره وشیطان) که برگفته ازآیات چند است مطرح گردد. خداوند در بسیاری از آیات تأکید واسرار دارد بر دشمن بودن ودشمن گرفتن شیطان به جهت خطرات وخسارتهای ناشی از پیروی او که متوجّه انسان می گردد. نویدی که خداوند درتقابل ونبرد انسان با نفس امّاره ومسوّله وسیتزه جوی شیطان با انسان میدهد؛ عبارت است از: قرار گرفتن انسان درجبهه حق وحزب الله. پیروزی قطعی وغلبه ی اولیاء الله دراین نبرد دائمی ونفسگیر.و. وعده ی قطعی الهی به خسران،شکست ومغلوبیت حتمی حزب شیطان وجبهه ی باطل وطاغوتیان.

واژگان کلیدی: غلبه، حزب، حزب الله، نفس، شیطان وحزب شیطان.

---

۱ . دانش آموخته سطح چهار حوزه

مقدمه

انسان یگانه موجودی ممتازی است که از نعمتهای فراوان ازجمله اراده ، اختیار ،عقل ،وقدرت تفکر وتعقل و... برخورداراست.امتیازات و ویژگیهای فوق وظیفه ی خطیری درحفظ تعادل نیروهای متفاوت ومتضاد (رحمانی و نفسانی وشیطانی) بردوش انسان گذاشته است. یکی از اموری که آیات قرآن وسنت نبّوی (ص)ومعصومین(ع) مارا بدان دعوت فرموده اند توجّه نمودن به نکات ذیل است:

۱. پیروی نکردن ازهوای نفس:«یا وَ لا تَتَّبِعِ الْهَوی فَیُضِلَّکَ عَنْ سَبیلِ اللَّهِ إِنَّ الَّذینَ یَضِلُّونَ عَنْ سَبیلِ اللَّهِ لَهُمْ عَذابٌ شَدیدٌ بِما نَسُوا یَوْمَ الْحِسابِ».[۲] و از هوای نفس پیروی مکن که تو را از راه خدا منحرف سازد؛ کسانی که از راه خدا گمراه شوند، عذاب شدیدی بخاطر فراموش کردن روز حساب دارند!

۲. عدم توجه به خواستهای نفس امّاره ومسوّله وسوسه گر.:«وَ ما أُبَرِّئُ نَفْسی إِنَّ النَّفْسَ لَأَمَّارَةٌ بِالسُّوءِ إِلاَّ ما رَحِمَ رَبِّی إِنَّ رَبِّی غَفُورٌ رَحیمٌ».[۳] من هرگز خودم را تبرئه نمی‌کنم، که نفس(سرکش) بسیار به بدیها امر می‌کند مگر آنچه را پروردگارم رحم کند! پروردگارم آمرزنده و مهربان است.

۳. دشمن گرفتن شیطان وعدم متابعت او:«إِنَّ الشَّیْطانَ لَکُمْ عَدُوٌّ فَاتَّخِذُوهُ عَدُوًّا إِنَّما یَدْعُوا حِزْبَهُ لِیَکُونُوا مِنْ أَصْحابِ السَّعیرِ».[۴] البتّه شیطان دشمن شماست، پس او را دشمن بدانید؛ او فقط حزبش را به این دعوت می‌کند که اهل آتش سوزان (جهنّم) باشند.

۴. توجّه به دشمن درونی (نفس) است«أعدی عدوّک نفسک الّتی بین جنبیک».[۵] دشمن ترین وخطرناکترین دشمن تو نفس تو است که میان دو پهلوی تو

---

۲ . ص/ ۲۶.

۳. یوسف/۵۳

۴ . فاطر / ۶.

۵ . نهج الفصاحهٔ کلمات قصار حضرت رسول ص، ص: ۲۲۰.

است. دراین نوشتار سعی شده است که به مسائل مانند دشمن شناسی، شناخت نفس وشیطان وشیوه های به کارگیری دشمن برای غلبه برانسان ، آثاری پیروی از دشمن، وشناخت حزب الله و حزب شیطان ،تحت عنوان(**قاعده ی غلبه یاپیروزی انسان درنبرد بانفس وشیطان ازدیدگاه قرآن وروایات**)،پرداخته شود.

مفاهیم و واژه شناسی

۱. غلبه

راغب می گوید «غلبه به معنای چیره شدن و مستولی شدن بردیگری است».[۶]

مصطفوی گفته است« اصل غلبه تفوق وبرتری پیدا کردن توأم با قدرت است، و استیلاء ، قهر،شدّت وغلظت از آثار ولوازم غلبه است».[۷]

۲. ابلیس و ابلاس ، ابلیس درلغت ازماده ی بلس و ابلاس به معنی نا امیدی،انکسار و شکست ، حزن ،سکوت ،حیرت،اختلاط وامتزاج آمده است.

راغب درمفردات می گوید«إبلاس اندوه و غمی که در اثر شدّت و سختی به انسان روی می‌آورد، فعلش« أبْلَسَ» است که واژه إبلیس از آن مشتق شده است. چون کسی که غمزده و گرفتار است بیشتر سکوت دارد تا آنجا که قصد و هدف خود رانیز فراموش می‌نماید و مأیوس می‌شود لذا: می‌گویند« أبْلَسَ فلان» او دیگر ساکت است و بیان و حجتّش منقطع شده» .[۸]

ابلیس دراصطلاح مفسیرین

«شیطان اسم جنس است شامل نخستین شیطان و همه شیطانها می‌شود ولی« ابلیس» اسم خاص است و اشاره به همان شیطانی است که اغواگر آدم شد، او طبق صریح آیات قرآن از جنس فرشتگان نبود، بلکه در صف آنها قرار داشت او از طائفه جن بود که مخلوق مادی است».[۹]

۳. شیطان

درکلمه ی الشَّیْطَان، دوقول گفته شده است

---

۶ . مفردات :الغَلَبَةُ القهر و غَلَبَ علیه کذا أی: استولی... المفردات، ص: ۶۱۲

۷ ۷ . التحقیق، ج۷، ص: ۲۴۹.

۸ . المفردات، ص:۱۴۴.

۹ . تفسیر نمونه، ج۱، ص:۱۸۲.

۱.حرف(ن) اصلی است و اژ« شَطَنَ» یعنی دور شدن است.الشَّیْطَان: دور شده از رحمت حقّ) و ازاین معنی است عبارت«بئرٌ شَطُون» چاه ژرفناک و بسیار عمیق.شَطَنَتِ الدّارُ: خانه دور شد.غُرْبَةٌ شَطُون: غربتی بس دور.

۲. و نیز گفته‌اند«حرف (ن) در شیطان زیادی‌است و ریشه آن«شاط یشیط»یعنی از خشم سوخت، گرفته شده، پس شیطان مخلوطی‌است از آتش وآیه شریفه «وَ خَلَقَ الْجَانَّ مِنْ مارِجٍ مِنْ نارٍ».[۱۰] بر این معنی دلالت دارد و از این معنی و ریشه واژه شیطان همانست که از شدّت نیروی غضب و حمیت غلط و ناپسندش به آن اختصاص یافت و از سجده به آدم بازماند وخودداری کرد...».[۱۱]

۴. حزب

حزب به معنای:دسته،گروه،جماعت،انصار وهمراه،که دارای یک هدف وغرض وعقیده باشند. درتعر یف حزب گفته «جماعة فیها غلظ، احزاب عبارة عن المجتمعین لمحاربة النبیّ صلّی اللّه علیه وسلم ...».[۱۲] حزب یعنی گروهی که در میانشان مقرّرات سخت و غلیظ باشد.أحزاب جمع حزب ،عبارت ازگروههائی بودند که برای جنگ با پیامبر(ص) گرد آمده بودند.

قاموس می گوید« موارد استعمال آن (حزب) در قرآن مجید نشان میدهد که وحدت عقیده و هدف در آن ملحوظ است و گرنه هر دسته و جماعت را حزب نگویند« أَلا إِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْمُفْلِحُونَ».[۱۳] بدانید «حزب اللّه» پیروزان و رستگارانند.

.حزب الشیطان کسانی‌اند که از اغواهای شیطان تبعیت میکنند« أَلا إِنَّ حِزْبَ الشَّیْطانِ هُمُ الْخاسِرُونَ».[۱۴] بدانید حزب شیطان زیانکارانند! کلمه ی«احزاب» یازده مرتبه

---

۱۰ . رحمان/15.

۱۱ . المفردات، ص: ۴۵۵.

۱۲. همان ص: ۲۳۱.

۱۳ .حشر/۲۲.

۱۴. مجادله/۱۹.

در قرآن مبین آمده و همه در مقام ذمّ است و مراد از آنها دسته‌های اهل کتاب و مشرکین و تکذیب کنندگان پیامبران است».[۱۵]

۵. نفس

درتعریف نفس ازحیث لغت واصطلاح دیدگاهای مختلف ومعانی متفاوت بیان شده است.

۱.نفس درلغت

۱. نفس به معنی روح «النفس، الروح الذی به حیاۀ الجسد و کل انسان نفس حتی آدم(ع) الذکر و الانثی سواء و کل شیء بعینه نفس و رجل له نفس ای خلق و حلاوۀ و سخا ...». [۱۶] مراد از نفس همان روح است که حیات و هستی جسد و بدن وابسته به آن می‌باشد و هر انسانی به آن، نفس اطلاق می‌گردد و حتی حضرت آدم(ع)، زن باشد یا مرد در این مورد مساوی است و هر شیئی به ملاحظه ذاتش نفس شیء گفته می‌شود و نیز گفته می‌شود کسی که دارای نفس است‌یعنی صفات پسندیده داشته، دارای ذکاوت و سخاوت است.

۲. نفس به معنی جسم وجسد «نفس عبارت است از روح «سالت نَفْسُهُ أی دمه» یعنی خونش جاری شد؛ به معنای روح است «خَرَجَتْ نَفْسُه» یعنی روحش خارج شد و نیز به معنای جسم و جسد انسان است.[۱۷]

۳.نفس یعنی آن چه ذات شیء بوسیله تشخص پیدامی کند سید حسن مصطفوی در التحقیق گفته است «هو تشخّص من جهۀ ذات الشیء، أی ترفّع فی شیء من حیث هو...». نفس عبارت است از تشخص شیء است از جهت ذات آن شی ء ترفع وبرجستگی متناسب خودش.[۱۸]

---

۱۵. قاموس، ج۲، ص: ۱۲۷.

۱۶ .کتاب العین، ج۷، ص: ۲۷۰.

۱۷ . مجمع البحرین، ج۳، ص: ۲۵۴.

۱۸ . التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، ج۱۲، ص: ۲۱۹.

۲. نفس دراصطلاح

مرحوم طبرسی درمجمع البیان می گوید نفس سه معنی دارد« النفس فی الکلام علی ثلاثۀ أوجه ؛النفس بمعنی الروح و النفس بمعنی التأکید تقول جاءنی زید نفسه و النفس بمعنی الذات و هو الأصل یکی، معنای روح؛ دیگر، معنای تأکید؛ مثل «جاءنی زید نَفسَهُ» و سوم، به معنای ذات و اصل همین معنی سوم است».[۱۹] صاحب المیزان نیز برای نفس همان سه معنی را با توضیح بیشتر بیان می کند.[۲۰]

معانی نفس از دیدگاه علماء کلام وفلاسفه و...

۱. متکلمین «نفس عبارت است از اجزای اصلی بدن که درقیامت مورد سؤال قرار می گیرد».

۲. محققین شیعه می گویند «که نفس عبارت است از جسمی نورانی ازعلم قدس که دربدن،مانند چراغی است که نورش به همۀ اجزای بدن می رسد».

۳. فلاسفه گفته اند «النفس جوهر ملکوتی یستخدم البدن فی حوائجه» نفس گوهری است ملکوتی که بدن را برای نیازهایش به کار می گیرد».[۲۱]

---

۱۹ . مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج۱، ص: ۱۳۳.

۲۰ . المیزان فی تفسیر القرآن ج ۱۴ص۲۸۵

۲۱ . تقوی سیدحسین ،از ملک تاملکوت ص ۹۲.

حقیقت نفس

انسان موجودی است مرکب از جسم وروح؛ همۀ دانشمندان معتقدند که آنچه انسانیت انسان را تشکیل میدهد روح وروان اوست.ومعلوم است روح انسان به جهت اصالتش شریف تر از جسم اوست؛ چون جسم به منزلۀ پوست و روح به مثابۀ مغز،و به اصطلاح روایات لُبّ وعقل ا وست.

امام صادق (ع) ازمیر المؤمنین (ع) نقل می کند که آن حضرت می فرمود«أَصْلُ الْإِنْسَانِ لُبُّهُ وَ عَقْلُهُ وَ دِينُهُ وَ مُرُوَّتُهُ حَيْثُ يَجْعَلُ نَفْسَهُ وَ الْأَيَّامُ دُوَلٌ وَ النَّاسُ إِلَى آدَمَ شَرَعٌ سَوَاءٌ».[۲۲] اصل انسان درون و خرد و دین او است و مردانگیش باندازه همت او است و روزگار دست بدست میگردد و مردم ا زلحاظ رسیدن نسب تا آدم (ع)یکسانند.

نفس درقرآن

در قرآن کریم دوبحث درمورد نفس بیان شده است؛ یکی از نظر مفهومی ،دوم مراتب نفس مانند نفس امّاره ، لوّامه، نفس مسوله ، مطمئنه ، مرضیه وراضیه. ۱. مفهوم نفس

درقرآن کریم نفس معمولا به سه معنا ی زیر امده است

۱. نفس به معنای خود«أَ تَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبِرِّ وَ تَنْسَوْنَ أَنْفُسَكُمْ وَ أَنْتُمْ تَتْلُونَ الْكِتابَ أَ فَلا تَعْقِلُونَ».[۲۳] آیا مردم را به نیکی فرمان می‌دهید و خود را از یاد می‌برید و حال آنکه کتاب« تورات» را می‌خوانید؟ آیا خرد را کار نمی‌بندید؟

اینکه درآیه شریفه ۱۴ سوره قیامت آمده است«بلِ الْإِنْسانُ عَلى نَفْسِهِ بَصيرَةٌ». بلکه انسان خود بر نفس خویشتن بیناست.مراد از آگاهی وبینایی انسان بر نفس خود، از حیث اعمال وکردار است، اعمال وافعال که درسرّ ونهان از او سرزده ومی زند است.

---

۲۲ . أمالی الصدوق،ص۲۴۰.

۲۳ .بقرة/ ۴۴.

۲. نفس به معنای **دل** «وَ جَحَدُوا بِها وَ اسْتَيْقَنَتْها أَنْفُسُهُمْ ظُلْماً وَ عُلُوًّا فَانْظُرْ كَيْفَ كانَ عاقِبَةُ الْمُفْسِدِينَ».[۲۴] و آن را از روی ظلم و سرکشی انکار کردند، در حالی که در دل به آن یقین داشتند! پس بنگر سرانجام تبهکاران (و مفسدان) چگونه بود.

۳. نفس به معنای جان «اللَّهُ يَتَوَفَّى الْأَنْفُسَ حِينَ مَوْتِها...»[۲۵] خداست که جانها را هنگام مرگشان می‌گیرد.

۲.جلوه ها ومراتب نفس

قرآن کریم ازنفس به تعابیر و صفات مختلف نام برده. که بیان گر جلوه ها ومراتب آن است،که در زیر به انها اشاره می شود:

۱.نفس ملهِمه «وَ نَفْسٍ وَ ما سَوَّاها،فَأَلْهَمَها فُجُورَها وَ تَقْواها،قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّاها،وَ قَدْ خابَ مَنْ دَسَّاها».[۲۶] و سوگند به نفس آدمی و آن کس که آن را منظم ساخته، سپس فجور و تقوا (شر و خیر) را به او الهام کرده است،که هر کس نفس خود را تزکیه کرده، رستگار شده، و آن کس که نفس خویش را با معصیت و گناه آلوده ساخته، نومید و محروم گشته است.

۲. نفس لوّامه و ملامت گر« وَ لا أُقْسِمُ بِالنَّفْسِ اللَّوَّامَةِ».[۲۷] و سوگند به و جدان بیدار انسانها و نفس ملامت کننده.

۳. نفس امّاره وامرکننده« وَ ما أُبَرِّئُ نَفْسی إِنَّ النَّفْسَ لَأَمَّارَةٌ بِالسُّوءِ إِلاَّ ما رَحِمَ رَبِّی إِنَّ رَبِّی غَفُورٌ رَحيمٌ».[۲۸] و من نفس خود را تبرئه نمی‌کنم، چرا که نفس قطعاً به بدی امر می‌کند، مگر کسی را که خدا رحم کند، زیرا پروردگار من آمرزنده مهربان است.

---

۲۴ . نمل/ ۱۴.

۲۵ . زمر/۴۲.

۲۶ .شمس/ آیات ۷الی۱۰.

۲۷ . قیامة/۲.

۲۸ .یوسف/ ۵۳.

۴. نفس مُسَوِّله« بَل سَوَّلَتْ لَكُمْ أَنْفُسُكُمْ أَمْرا».[۲۹] هوسهای نفسانی شما این کار را برایتان آراسته.

۵ . نفس مطمئنه ،راضه و مرضیه« یا أَیَّتُهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ، ارْجِعِی إِلی رَبِّکِ راضِیَةً مَرْضِیَّةً، فَادْخُلِی فِی عِبادِی،وَ ادْخُلِی جَنَّتِی».[۳۰] ای نفس مطمئنّه، خشنود و خداپسند به سوی پروردگارت بازگرد، و در میان بندگان من درآی،و در بهشت من داخل شو.

نفس ممدوح ومذموم

نفس درفرهنگ دینی با دوصفت ممدوح ومذموم شناخته می شود:

۱. نفس ممدوح

نفس درصفت ممدوح درمتون دینی وکلام برزگان مذهب وفرهنگ دینی واسلامی از جایگاه خاصی برخورد ار است،تا جای که به عنوان گوهر گران بها و با ارزش یادشده و در حفظ وصیانت آن زیادتأکید وسفارش گردیده است.امام (علی ع)می فرماید« إِنَّ النَّفْسَ لَجَوْهَرَةٌ ثَمِینَةٌ مَنْ صَانَهَا رَفَعَهَا وَ مَنِ ابْتَذَلَهَا وَضَعَهَا».[۳۱] بدرستی که نفس گوهری است گرانبها هرکه نگاهداری کند آن را بلند گرداند آن را، و هر که نگاهداری نکند آن را پست گرداند آن را.

درمورد قدر ومنزلت ،صیانت ومذمت نفس درآیات وروایات توصیفات وتعبیرات زیر آمده است.

۱.شناخت نفس مقدمه ی شناخت خدا ؛ نبیّ مکرم اسلام(ص) فرمود «من عرف نفسه، فقد عرف ربّه».[۳۲] هر که خود را بشناسد، پروردگار خود را شناخته است.

---

۲۹ . یوسف/۱۸

۳۰ . فجر/ آیات ۲۷ تا ۳۰.

۳۱ .تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، ص: ۲۳۲.

۳۲ .الحیاة با ترجمه احمد آرام، ج۱، ص: ۲۱۳.

۲. شناخت نفس شناخت حق؛ مردی بر پیامبر اکرم (ص)وارد شد و عرض کرد«یا رسول اللّه! کیف الطّریق الی معرفهٔ الحق؟ فقال:«معرفهٔ النّفس».[۳۳] ای رسول خدا! راه شناسایی حق کدام است؟ گفت: شناختن خود.

۳. سود مندترین شناخت، شناخت نفس، امام علی (ع) می فرماید«معرفهٔ النفس أنفع المعارف».[۳۴] شناختن نفس، سودمندترین شناختها است.

۴. مواظبت ازنفس ومقام بلند؛ امام علی (ع)فرموده« الرّجل حیث اختار لنفسه، ان صانها ارتفعت و ان ابتذلها اتّضعت».[۳۵] ارزش شخصیت هر فردی وابسته بروشی است که اتخاذ میکند، اگر نفس خود را از پستی و دنائت بر کنار نگاهداشت بمقام رفیع انسانی نائل می‌شود و اگر عزّت و حیثیت معنوی خویش را ترک گفت به پستی و ذلت میگراید.

۵. مراقبت وعدم مراقبت نفس یا پیروزی وشکست«قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَکَّاها، وَ قَدْ خابَ مَنْ دَسَّاها».[۳۶] که هر کس نفس خود را پاک و تزکیه کرده، رستگار شده، و آن کس که نفس خویش را با معصیت و گناه آلوده ساخته، نومید و محروم گشته است!

۶. باز داشتن نفس ازهوا، وجایگاه بهشت« وَ أَمَّا مَنْ خافَ مَقامَ رَبِّهِ وَ نَهَی النَّفْسَ عَنِ الْهَوی، فَإِنَّ الْجَنَّةَ هِیَ الْمَأْوی».[۳۷] و آن کس که از مقام پروردگارش ترسان باشد و نفس را از هوی بازدارد، پس جایگاه او همان بهشت است.

۲. نفس مذموم وخطرات ناشی از تبعیّت آن

باتوجه به توضیحاتی که درمورد معنای نفس وجایگاه ومنزلت آن بیان شد روشن می گردد،که نفس فی نفسه ،گوهر گران بهایی است چه این که؛مقدمه ی

---

۳۳ . همان.

۳۴ . همان

۳۵ .غررالحکم ص ۸۰

۳۶ .شمس/ ۹ و ۱۰.

۳۷ .۳۷تازعات /۴۰ و ۴۱.

شناخت ومعرفت پروردگار، بیان کننده ی هویت انسانی انسان است. آن چه مورد مذمت قرار گرفته است ؛ نفس سرکش وعنان گسیخته است که از آموزه های دینی والهی بهره یی نبرده باشد.نفس امّاره که امر به زشتی می کند ویا نفس مسوّله که اعمال زشت وبد را به صورت زیبا جلوه میدهد؛ همان نفس عنان گسیخته، یله و رها است، که درجا جای قرآن کریم نسبت به خطرات ناشی از تبعیّت آن گوشزد گردیده است. درذیل به ذکر چند نمونه اکتفا می گردد:

۱. هواهای نفسانی خویش را خدا قرار ندهید«أَفَرَأَیْتَ مَنِ اتَّخَذَ إِلهَهُ هَواهُ وَ أَضَلَّهُ اللَّهُ عَلی عِلْمٍ وَ خَتَمَ عَلی سَمْعِهِ وَ قَلْبِهِ وَ جَعَلَ عَلی بَصَرِهِ غِشاوَةً فَمَنْ یَهْدیهِ مِنْ بَعْدِ اللَّهِ أَ فَلا تَذَکَّرُونَ».[۳۸] پس آیا دیدی کسی را که هوس خویش را معبود خود قرار داده و خدا او را دانسته گمراه گردانیده و بر گوش او و دلش مُهر زده و بر دیده‌اش پرده نهاده است؟ آیا پس از خدا چه کسی او را هدایت خواهد کرد؟ آیا پند نمی‌گیرید؟

۲. انسان عالم ومستجاب الدعوه را درمقابل ولی خدا (حضرت موسی ع) قرارمیدهد.« وَ لَوْ شِئْنا لَرَفَعْناهُ بِها وَ لکِنَّهُ أَخْلَدَ إِلَی الْأَرْضِ وَ اتَّبَعَ هَواهُ...»[۳۹] و اگر می‌خواستیم، (مقام) او را با این آیات (و علوم و دانشها) بالا می‌بردیم؛ (اما اجبار، بر خلاف سنت ماست؛ پس او را به حال خود رها کردیم) و او به پستی گرایید، و از هوای نفس پیروی کرد!

۳. مشاعر شناخت انسان را می بندد« أَ فَرَأَیْتَ مَنِ اتَّخَذَ إِلهَهُ هَواهُ وَ أَضَلَّهُ اللَّهُ عَلی عِلْمٍ وَ خَتَمَ عَلی سَمْعِهِ وَ قَلْبِهِ وَ جَعَلَ عَلی بَصَرِهِ غِشاوَةً فَمَنْ یَهْدیهِ مِنْ بَعْدِ اللَّهِ أَ فَلا تَذَکَّرُونَ».[۴۰] پس آیا دیدی کسی را که هوس خویش را معبود خود قرار داده و خدا او را دانسته گمراه گردانیده و بر گوش او و دلش مُهر زده و بر دیده‌اش پرده نهاده است؟ آیا پس از خدا چه کسی او را هدایت خواهد کرد؟ آیا پند نمی‌گیرید؟

---

۳۸ . جاثیة/۲۳.

۳۹ . اعراف /۱۷۶.

۴۰ .جاثیة / ۲۳.

۴. انسان را از یاد خدا غافل می کند«وَ اصْبِرْ نَفْسَکَ مَعَ الَّذینَ یَدْعُونَ رَبَّهُمْ بِالْغَداةِ وَ الْعَشِیِّ یُریدُونَ وَجْهَهُ وَ لا تَعْدُ عَیْناکَ عَنْهُمْ تُریدُ زینَةَ الْحَیاةِ الدُّنْیا وَ لا تُطِعْ مَنْ أَغْفَلْنا قَلْبَهُ عَنْ ذِکْرِنا وَ اتَّبَعَ هَواهُ وَ کانَ أَمْرُهُ فُرُطاً».[۴۱] با کسانی باش که پروردگار خود را صبح و عصر می‌خوانند، و تنها رضای او را می‌طلبند! و هرگز بخاطر زیورهای دنیا، چشمان خود را از آنها برمگیر! و از کسانی که قلبشان را از یاد خود غافل ساختیم اطاعت مکن! همانها که از هوای نفس پیروی کردند، و کارهایشان افراطی است.

۵. از ایمان به قیامت باز میدارد«نَّ السَّاعَةَ آتِیَةٌ أَکادُ أُخْفِیها لِتُجْزی کُلُّ نَفْسٍ بِما تَسْعی، فَلا یَصُدَّنَّکَ عَنْها مَنْ لا یُؤْمِنُ بِها وَ اتَّبَعَ هَواهُ فَتَرْدی».[۴۲] رستاخیز بطور قطع خواهد آمد من می‌خواهم آن را پنهان کنم تا هر کس در برابر سعی و کوشش خود جزا ببیند، و هرگز نباید افرادی که ایمان به قیامت ندارند و از هوسهای خویش پیروی کردند تو را از آن(ایمان به قیامت) باز دارند که هلاک خواهی شد.

با توجه به ذکرآیات فوق روشن شد که؛ چرا نفس سرکش ولوّامه دشمن خوانده شده است.کدام دشمن بدتراز این است که؛ انسان را از مسیرهدایت دورکند ، مشاعر دریافت حقایق اورا را مسدود سازد، قیامت را فراموش نماید ، واو را ازیاد خدا غافل گرداند؟!

پیامبر بزرگوار اسلام (ص) این نفس را بزرگترین دشمن خواند ه است:«أعدی عدوّک نفسک الّتی بین جنبیک».[۴۳] دشمن ترین وخطرناکترین دشمن تو نفس تو است که میان دو پهلوی تو است. و مبارزه وجهاد با این دشمن را جهاد اکبر دانسته است:از امام علی (ع) نقل شده است که رسول خدا (ص) گروهی را به جهاد فرستاد و چون برگشتند فرمود«مَرْحَباً بِقَوْمٍ قَضَوُا الْجِهَادَ الْأَصْغَرَ وَ بَقِیَ عَلَیْهِمُ الْجِهَادُ الْأَکْبَرُ قِیلَ یَا رَسُولَ اللَّهِ وَ مَا الْجِهَادُ الْأَکْبَرُ قَالَ جِهَادُ النَّفْسِ ثُمَّ قَالَ ص أَفْضَلُ الْجِهَادِ مَنْ جَاهَدَ نَفْسَهُ الَّتِی

---

۴۱ . کهف / ۲۸.

۴۲ . سوره طه /آیات ۱۵و۱۶.

۴۳ . نهج الفصاحۀ مجموعه کلمات قصار حضرت رسول ص، ص: ۲۲۰.

بَيْنَ جَنْبَيْه».[۴۴] مرحبا به مردمی که‌جهاد اصغر را انجام دادند و جهاد اکبر بر عهده ی آنها است. عرض شد یا رسول اللّه جهاد اکبر کدامست؟فرمود جهاد با نفس سپس فرمود بهترین جهاد از کسی است که با نفس خود که میان دو پهلو دارد بجنگد.

امیرمؤمنین(ع) است که فرمود:«أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّ أَخْوَفَ مَا أَخَافُ عَلَيْكُمُ (اثْنَتَانِ) اثْنَانِ اتِّبَاعُ الْهَوَى وَ طُولُ الْأَمَلِ فَأَمَّا اتِّبَاعُ الْهَوَى فَيَصُدُّ عَنِ الْحَقِّ وَ أَمَّا طُولُ الْأَمَلِ فَيُنْسِي الْآخِرَةَ».[۴۵] **ای** مردم! همانا بر شما از دو چیز بیشتر می‌ترسم: از خواهش نفس پیروی کردن، و آرزوی دراز در سر پروردن، که پیروی خواهش نفس، آدمی را از راه حقّ باز می‌دارد، و آرزوی دراز، آخرت را به فراموشی می‌سپارد.

دشمن بیرونی

شیطان وخیل وسپاه او خطرناکترین وقوی ترین دشمن انسان درقرآن بیان گردیده است که برای گمراهی،هلاکت ،اغوا وانحراف انسان (ازصراط مستقیم ،بندگی،عبادت و پرستش واطاعت خداوند)، قسم خورده است.قرآن کریم دشمنی شیطان با انسان وسوگند های او را در اغوا کردن بشر ذکر کرده است که به بیان چند نمونه اکتفا می شود:

۱.«قالَ فَبِما أَغْوَيْتَنی لَأَقْعُدَنَّ لَهُمْ صِراطَکَ الْمُسْتَقيمَ، ثُمَّ لَآتِيَنَّهُمْ مِنْ بَيْنِ أَيْديهِمْ وَ مِنْ خَلْفِهِمْ وَ عَنْ أَيْمانِهِمْ وَ عَنْ شَمائِلِهِمْ وَ لا تَجِدُ أَكْثَرَهُمْ شاكِرينَ».[۴۶] گفت: «اکنون که مرا گمراه ساختی، من بر سر راه مستقیم تو، در برابر آنها کمین می کنم!، سپس از پیش رو و از پشت سر، و از طرف راست و از طرف چپ آنها، به سراغشان می‌روم و بیشتر آنها را شکرگزار نخواهی یافت!»

---

۴۴ . أمالی الصدوق، ص/ ۴۶۷.

۴۵ . نهج البلاغة، ص: ۸۴

۴۶ . أعراف/آیات۱۶و۱۷.

۲. «قالَ أَ رَأَیْتَکَ هذَا الَّذی کَرَّمْتَ عَلَیَّ لَئِنْ أَخَّرْتَنِ إِلی یَوْمِ الْقِیامَةِ لَأَحْتَنِکَنَّ ذُرِّیَّتَهُ إِلاَّ قَلیلاً».[۴۷] (سپس) گفت: «به من بگو، این کسی را که بر من برتری داده‌ای (به چه دلیل بوده است) اگر مرا تا روز قیامت زنده بگذاری، همه فرزندانش را، جز عده کمی،گمراه و ریشه‌کن خواهم ساخت!»

هشدارهای قرآن درمورد شیطان

خداوند متعال ازبدوی خلقت حضرت آدم(ع) وپس ازتمرد ابلیس از امر وفرمان خداوند در سجده نکردن درمقابل حضرت آدم البشر، دشمنی وکینه ها ی شیطان را برای آدم وحوا خصوصا وبرای همه ی انسانیت عموما گوش زدفرموده است:

۱.خطابَ به آدم وحوا (ع) «قُلْنا یا آدَمُ إِنَّ هذا عَدُوٌّ لَکَ وَ لِزَوْجِکَ فَلا یُخْرِجَنَّکُما مِنَ الْجَنَّةِ فَتَشْقی».[۴۸] پس گفتیم: «ای آدم! این (ابلیس) دشمن تو و (دشمن) همسر توست! مبادا شما را از بهشت بیرون کند که به زحمت و رنج خواهی افتاد!

۲. خطاب به بنی آدم« أَ لَمْ أَعْهَدْ إِلَیْکُمْ یا بَنی آدَمَ أَنْ لا تَعْبُدُوا الشَّیْطانَ إِنَّهُ لَکُمْ عَدُوٌّ مُبینٌ».[۴۹] آیا با شما عهد نکردم ای فرزندان آدم که شیطان را نپرستید، که او برای شما دشمن آشکاری است؟!

۳. خطاب به نوع انسان«یاأَیُّهَا النَّاسُ کُلُوا مِمَّا فِی الْأَرْضِ حَلالاً طَیِّباً وَ لا تَتَّبِعُوا خُطُواتِ الشَّیْطانِ إِنَّهُ لَکُمْ عَدُوٌّ مُبینٌ».[۵۰] ای مردم! از آنچه در زمین است، حلال و پاکیزه بخورید! و ازگامهای شیطان، پیروی نکنید! چه اینکه او، دشمن آشکار شماست.

۴.خطاب به مؤمنان«یاأَیُّهَا الَّذینَ آمَنُوا ادْخُلُوا فِی السِّلْمِ کَافَّةً وَ لاتَتَّبِعُوا خُطُواتِ الشَّیْطانِ إِنَّهُ لَکُمْ عَدُوٌّ مُبینٌ».[۵۱] ای مردم! از آنچه در زمین است، حلال و پاکیزه بخورید! و از گامهای شیطان، پیروی نکنید! چه اینکه او، دشمن آشکار شماست!

---

۴۷ . إسراء /۶۲.

۴۸ .طه/۱۱۷.

۴۹ . یس/۶۰.

۵۰ . بقرة :/۱۶۸.

امر به دشمن گرفتن شیطان وذرّیه ی او

خداوند متعال علاوه برهشدارهای که درآیات فوق نسبت به دشمنی وخصومت شیطان به انسان داده است درموارد متعددی صراحتا امر ودستور به دشمن گرفتن شیطان وذرّیه ی اورا نیزگوش زد فرموده است ، آیات زیر بیان گر این مهم است:

الف. شیطان متمرد وذرّیه ی او را دشمن خود بگیرید«وَ إِذْ قُلْنا لِلْمَلائِکَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا إِلاَّ إِبْلیسَ کانَ مِنَ الْجِنِّ فَفَسَقَ عَنْ أَمْرِ رَبِّهِ أَفَتَتَّخِذُونَهُ وَ ذُرِّیَّتَهُ أَوْلِیاءَ مِنْ دُونی وَ هُمْ لَکُمْ عَدُوٌّ بِئْسَ لِلظَّالِمینَ بَدَلاً».[۵۲] به یاد آرید زمانی را که به فرشتگان گفتیم: «برای آدم سجده کنید!» آنها همگی سجده کردند جز ابلیس- که از جن بود- و از فرمان پروردگارش بیرون شد آیا (با این حال،) او و فرزندانش را به جای من اولیای خود انتخاب می‌کنید، در حالی که آنها دشمن شما هستند؟! (فرمانبرداری از شیطان و فرزندانش به جای اطاعت خدا،) چه جایگزینی بدی است برای ستمکاران!

ب. شیطان را دشمن بگیرید که پیروانش را به جهنّم دعوت می کند« إِنَّ الشَّیْطانَ لَکُمْ عَدُوٌّ فَاتَّخِذُوهُ عَدُوًّا إِنَّما یَدْعُوا حِزْبَهُ لِیَکُونُوا مِنْ أَصْحابِ السَّعیرِ».[۵۳] البتّه شیطان دشمن شماست، پس او را دشمن بدانید او فقط حزبش را به این دعوت می‌کند که اهل آتش سوزان (جهنّم) باشند.

تجهزات وتوانای های شیطان وسپاه او

درهر مبارزه ای توجّه به شناخت دشمن وامکانات او، از حیث زمان ،مکان ،ابزار و ادوات کار ،روش وتاکتیک ها، نیروهای لازم ، آماده و مجهز او امری است لازم.

---

۵۱ . بقرة/۲۰۸.

۵۲ .کهف/۵۰.

۵۳ .فاطر/ ۶.

شیطان بعد از نادیده گرفتن امرخداوند، وسجده نکردن به مقام آدم (ع) مورد لعن قرارگرفت، از خداوند خواست برای اومهلت بدهد، وخداوند هم نه تنها به او مهلت داد، بلکه اجازه داد که به امکانات کافی ولازم و دراز مدت نیز مجهز گردد. درذیل به ذکر آیاتی چند که به توانایی های شیطان پرداخته است اکتفا می شود:

۱.وقت کافی وطولانی«قالَ رَبِّ فَأَنْظِرْنِی إِلی یَوْمِ یُبْعَثُونَ،قالَ فَإِنَّکَ مِنَ الْمُنْظَرِینَ،إِلی یَوْمِ الْوَقْتِ الْمَعْلُوم».[۵۴] پروردگارا اکنون که چنین است مرا تا روز رستاخیز مهلت ده، فرمود مسلما تو از مهلت یافتگانی «ولی نه تا روز مبعوث شدن خلایق در رستاخیز، چنان که خواسته‌ای، بلکه» تا وقت و زمان معینی.

۲. قدرت تحریک وشرکت درمال وفرزندان انسان

خداوند علیم وحکیم با حکمتی که در دادن فرصت طولانی برای شیطان در نظر داشت برهمان مبنا وحکمت شیطان را قدرت داد که با تمام سپاه سواره وپیاده اش به تحریک انسان بپردازد« وَ اسْتَفْزِزْ مَنِ اسْتَطَعْتَ مِنْهُمْ بِصَوْتِکَ وَ أَجْلِبْ عَلَیْهِمْ بِخَیْلِکَ وَ رَجِلِکَ وَ شارِکْهُمْ فِی الْأَمْوالِ وَ الْأَوْلادِ وَ عِدْهُمْ وَ ما یَعِدُهُمُ الشَّیْطانُ إِلاَّ غُرُوراً».[۵۵] هر کدام از آنها را می‌توانی با صدایت تحریک کن! و لشکر سواره و پیاده‌ات را بر آنها گسیل دار! و در ثروت و فرزندانشان شرکت جوی! و آنان را با وعده‌ها سرگرم کن!،ولی شیطان، جز فریب و دروغ، وعده‌ای به آنها نمی‌دهد.

مرکز نفود شیطان

از انجا که قلب انسان محل دریافت حقایق اشیاء از قبیل حب وبغض ، ایمان وکفر، نفاق ، حسادت ،غضب ،نسیان وسهو وغفلت و... است. شیطان هم می خواهد با وسوسه وتزیین اعمال، قلب انسان را هدف قرارد داده و دچار شک وشبه کند واز صراط مستقیم منحرف سازد. آیات وروایات دربسیاری موارد مختلف تصریح به این مهم دارد «قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ،مَلِکِ النَّاسِ،إِلهِ النَّاسِ،مِنْ شَرِّ الْوَسْواسِ الْخَنَّاسِ،الَّذِی

---

۵۴ .حجر آیات ۳۶ الی۳۸.

۵۵ .إسراء/۶۴.

يُوَسْوِسُ فِی صُدُورِ النَّاسِ، مِنَ الْجِنَّۀِ وَ النَّاسِ».[۵۶] بگو پناه می‌برم به پروردگار مردم، به مالک و حاکم مردم،به خدا و معبود مردم،از شر وسواس خناس،که در سینه‌های انسانها وسوسه می‌کند، خواه از جن باشد یا از انسان.

این فرمایش امام علی(ع) که می فرماید: حب و بغض ما، دریک قلب جا نمی گیرد.. دلیلی محکمی دیگری است بر مرکزیت قلب برای نفوذ شیطان«إِذْ لَا یَسْتَوِی مَنْ یُحِبُّنَا وَ مَنْ یُبْغِضُنَا وَ لَا یَجْتَمِعَانِ فِی قَلْبِ رَجُلٍ أَبَداً إِنَّ اللَّهَ لَمْ یَجْعَلْ لِرَجُلٍ مِنْ قَلْبَیْنِ فِی جَوْفِهِ یُحِبُّ بِهَذَا وَ یُبْغِضُ بِهَذَا أَمَّا مُحِبُّنَا فَیُخْلِصُ الْحُبَّ لَنَا کَمَا یَخْلُصُ الذَّهَبُ بِالنَّارِ لَا کَدَرَ فِیهِ وَ مُبْغِضُنَا عَلَی تِلْکَ الْمَنْزِلَۀِ نَحْنُ النُّجَبَاءُ وَ أَفْرَاطُنَا، أَفْرَاطُ الْأَنْبِیَاءِ وَ أَنَا وَصِیُّ الْأَوْصِیَاءِ وَ الْفِئَۀُ الْبَاغِیَۀُ مِنْ حِزْبِ الشَّیْطَانِ وَ الشَّیْطَانُ مِنْهُمْ فَمَنْ أَرَادَ أَنْ یَعْلَمَ حُبَّنَا فَلْیَمْتَحِنْ قَلْبَهُ فَإِنْ شَارَکَ فِی حُبِّنَا عَدُوَّنَا فَلَیْسَ مِنَّا وَ لَسْنَا مِنْهُ وَ اللَّهُ عَدُوُّهُ وَ جَبْرَئِیلُ وَ مِیکَائِیلُ وَ اللَّهُ عَدُوٌّ لِلْکَافِرِین».[۵۷] دوست و دشمن ما با یک دیگر مساوی نیستند و هر محبت و دشمنی ما در قلب یکنفر جای نمی گیرد زیرا برای یک فرد خدا دو قلب قرار نداده که با یکی دوست بدارد و با دیگری دشمن ،دوست ما محبتش خالص است همان طور که طلا را آتش پاک و خالص می کند و دشمن ما نیز همان طور است. مائیم نجبا و فرزندان ما فرزندان پیامبرند و من وصی اوصیایم و گروه ستم پیشه از طرفداران شیطانند و شیطان از آنها است .هر که می خواهد بداند ما را دوست دارد یا نه، به قلب خود نگاه کند. اگر در محبت ما دشمن ما را شریک قرار میدهد، از ما نیست و ما نیز با او ارتباطی نداریم. خداوند، جبرئیل و میکائیل با او دشمنند خدا دشمن کافران است.

شیوه های به کارگیری شیطان برای غلبه برانسان

قرآن کریم شیوه های بکار گیری شیطان را (برای گمراه ومنحرف کردن انسان از راه راست و درنتیجه شکست وخواری او) دربسیاری ازآیات وموارد مختلفی بیان کرده است. که درذیل به بیان برخی رویش ها ی او پرداخته می شود:

---

۵۶. سورۀناس/۱،الی۶.

۵۷ . بحار الأنوار ، ج۲۴، ص: ۳۱۸.

۱. تزیین اعمال زشت به نیک

انسان فطرتا ازهر زیبای چه ظا هری ویا معنوی لذّت می برد. شیطان از این ویژگی وخصوصیت انسان سوء استفاده می کند، اعمال زشت را در نظر او خوب وزیبا و خوب را بد جلوه میدهد. قرآن کریم در موارد مختلف رفتار گمراه کنند ه ی او را ذکرده است:

۱,۱.تزیین سجده برای غیر خدا« وَجَدْتُها وَ قَوْمَها یَسْجُدُونَ لِلشَّمْسِ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَ زَیَّنَ لَهُمُ الشَّیْطانُ أَعْمالَهُمْ فَصَدَّهُمْ عَنِ السَّبِیلِ فَهُمْ لا یَهْتَدُونَ».[۵۸] او و قومش را دیدم که برای غیر خدا (خورشید) سجده می‌کنند و شیطان اعمالشان را در نظرشان جلوه داده، و آنها را از راه بازداشته و از این رو هدایت نمی‌شوند!»

۲,۱. تزیین اعمال برای قساوت قلب « فَلَوْ لا إِذْ جاءَهُمْ بَأْسُنا تَضَرَّعُوا وَ لکِنْ قَسَتْ قُلُوبُهُمْ وَ زَیَّنَ لَهُمُ الشَّیْطانُ ما کانُوا یَعْمَلُونَ».[۵۹] چرا هنگامی که مجازات ما به آنان رسید، (خضوع نکردند و) تسلیم نشدند؟! بلکه دلهای آنها قساوت پیدا کرد و شیطان، هر کاری را که می‌کردند، در نظرشان زینت داد!

۱,۳. تزیین نعمت های مادی« زُیِّنَ لِلنَّاسِ حُبُّ الشَّهَواتِ مِنَ النِّساءِ وَ الْبَنینَ وَ الْقَناطیرِ الْمُقَنْطَرَةِ مِنَ الذَّهَبِ وَ الْفِضَّةِ وَ الْخَیْلِ الْمُسَوَّمَةِ وَ الْأَنْعامِ وَ الْحَرْثِ ذلِکَ مَتاعُ الْحَیاةِ الدُّنْیا وَ اللَّهُ عِنْدَهُ حُسْنُ الْمَآبِ».[۶۰] محبّت امور مادی، از زنان و فرزندان و اموال هنگفت از طلا و نقره و اسبهای ممتاز و چهارپایان و زراعت، در نظر مردم جلوه داده شده است (تا در پرتو آن، آزمایش و تربیت شوند ولی) اینها (در صورتی که هدف نهایی آدمی را تشکیل دهند،) سرمایه زندگی پست (مادی) است و سرانجام نیک (و زندگیِ والا و جاویدان)، نزد خداست.

---

۵۸ . نمل/ ۲۴.

۵۹ . أنعام/۲۴.

۶۰.آل‌عمران/۱۴.

۴,۳. تزیین زندگی زود گذر دنیا «زُیِّنَ لِلَّذینَ کَفَرُوا الْحَیاةُ الدُّنْیا وَ یَسْخَرُونَ مِنَ الَّذینَ آمَنُوا وَ الَّذینَ اتَّقَوْا فَوْقَهُمْ یَوْمَ الْقِیامَةِ...».[۶۱] زندگی دنیا برای کافران زینت داده شده است، از این رو افراد باایمان را (که گاهی دستشان تهی است)، مسخره می‌کنند در حالی که پرهیزگاران در قیامت، بالاتر از آنان هستند (چرا که ارزشهای حقیقی در آنجا آشکار می‌گردد، و صورت عینی به خود می‌گیرد...

۵,۱. تزیین حرام به حلال« إِنَّمَا النَّسیءُ زِیادَةٌ فِی الْکُفْرِ یُضَلُّ بِهِ الَّذینَ کَفَرُوا یُحِلُّونَهُ عاماً وَ یُحَرِّمُونَهُ عاماً لِیُواطِؤُا عِدَّةَ ما حَرَّمَ اللَّهُ فَیُحِلُّوا ما حَرَّمَ اللَّهُ زُیِّنَ لَهُمْ سُوءُ أَعْمالِهِمْ وَ اللَّهُ لا یَهْدِی الْقَوْمَ الْکافِرینَ».[۶۲] نسیء (جا به جا کردن و تأخیر ماه‌های حرام)، افزایشی در کفر (مشرکان) است که با آن، کافران گمراه می‌شوند یک سال، آن را حلال، و سال دیگر آن را حرام می کنند، تا به مقدار ماه‌هایی که خداوند تحریم کرده بشود (و عدد چهار ماه، به پندارشان تکمیل گردد) و به این ترتیب، آنچه را خدا حرام کرده، حلال بشمرند. اعمال زشتشان در نظرشان زیبا جلوه داده شده و خداوند جمعیّت کافران را هدایت نمی‌کند.

---

۶۱ . بقرة /۲۱۲.

۶۲.توبه/ ۳۷.

۲. وسوسه کردن

یکی از راه ها وحیله های شیطان برای به انحراف کشیدن و گمراه کردن انسان ، القاء شک وتردید ازطریق وسوسه کردن است.[۶۳]

۳. وعده دروغ دادن :« يَعِدُهُمْ وَ يُمَنِّيهِمْ وَ ما يَعِدُهُمُ الشَّيْطانُ إِلاَّ غُرُوراً».[۶۴] شیطان به آنها وعده‌ها (ی دروغین) می‌دهد و به آرزوها، سرگرم می‌سازد در حالی که جز فریب و نیرنگ، به آنها وعده نمی‌دهد.

۴. ترساندن :«إِنَّما ذلِكُمُ الشَّيْطانُ يُخَوِّفُ أَوْلِياءَهُ فَلا تَخافُوهُمْ وَ خافُونِ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ».[۶۵] این فقط شیطان است که پیروان خود را (با سخنان و شایعات بی‌اساس) می‌ترساند. از آنها نترسید! و تنها از من بترسید اگر ایمان دارید.

۵. وعده ی فقردادن: «الشَّيْطانُ يَعِدُكُمُ الْفَقْرَ وَ يَأْمُرُكُمْ بِالْفَحْشاءِ وَ اللَّهُ يَعِدُكُمْ مَغْفِرَةً مِنْهُ وَ فَضْلاً وَ اللَّهُ واسِعٌ عَلِيمٌ».[۶۶] شیطان، شما را (به هنگام انفاق،) وعده فقر و تهیدستی می‌دهد و به فحشا (و زشتیها) امر می‌کند ولی خداوند وعده «آمرزش» و «فزونی» به شما می‌دهد و خداوند، قدرتش وسیع، و (به هر چیز) داناست. (به همین دلیل، به وعده‌های خود، وفا می کند.

۶. امربه فحشا وبدی: «يا أَيُّهَا الَّذينَ آمَنُوا لا تَتَّبِعُوا خُطُواتِ الشَّيْطانِ وَ مَنْ يَتَّبِعْ خُطُواتِ الشَّيْطانِ فَإِنَّهُ يَأْمُرُ بِالْفَحْشاءِ وَ المنكَر...».[۶۷] ای کسانی که ایمان آورده‌اید! از

---

۶۳. راغب می گوید «الوَسْوَسَةُ: الخطرةُ الرّديئة، و أصله من الوَسْوَاسِ، و هو صوت الحلي، و الهمس الخفيّ...و يقال لهمس الصّائد وَسْوَاسٌ». وسوسه در اصل صدای آهسته‌ای است که از به هم خوردن زینت آلات برمی‌خیزد! سپس به هر صدای آهسته گفته شده، و بعد از آن به خطورات و افکار بد و نامطلوبی که در دل و جان انسان پیدا می‌شود، و شبیه صدای آهسته‌ای است که در گوش فرو می خوانند اطلاق گردیده است. المفردات فی غریب القرآن، ص: ۸۶۹.

۶۴ . نساء/۱۲۰.

۶۵.آل‌عمران/ ۱۷۵.

۶۶. بقرة / ۲۶۸.

۶۷ . نور/ ۲۱.

گامهای شیطان پیروی نکنید! هر کس پیرو شیطان شود (گمراهش می‌سازد، زیرا) او به فحشا و منکر فرمان می‌دهد

سرنوشت پیروان شیطان

سرانجام پیروان شیطان ازنظر قرآن کریم جز شکست ، خسران ،پشیمانی و،حسرت ،خواری وعذاب جهنم و... نیست، آیات ذیل عاقبت وسرنوشت پیروان شیطان را چنین تصرح فرموده است:

۱.جایگاه آنان جهنم است: «قالَ هذا صِراطٌ عَلَیَّ مُسْتَقِیمٌ ،إِنَّ عِبادِی لَیْسَ لَکَ عَلَیْهِمْ سُلْطانٌ إِلاَّ مَنِ اتَّبَعَکَ مِنَ الْغاوِینَ،وَ إِنَّ جَهَنَّمَ لَمَوْعِدُهُمْ أَجْمَعِینَ».[۶۸] فرمود این راه مستقیم من است (و سنت همیشگیم)،که بر بندگانم تسلط نخواهی یافت مگر گمراهانی که از تو پیروی می‌کنند- و جهنم میعادگاه همه آنها است.

۲. ازشکست خوردگان واقعی روز قیامت اند: «فَاعْبُدُوا ما شِئْتُمْ مِنْ دُونِهِ قُلْ إِنَّ الْخاسِرِینَ الَّذِینَ خَسِرُوا أَنْفُسَهُمْ وَ أَهْلِیهِمْ یَوْمَ الْقِیامَةِ أَلا ذلِکَ هُوَ الْخُسْرانُ الْمُبِینُ».[۶۹] شما هر چه را جز او می‌خواهید بپرستید!» بگو: «زیانکاران واقعی آنانند که سرمایه وجود خویش و بستگانشان را در روز قیامت از دست داده‌اند! آگاه باشید زیان آشکار همین است!»

۳.تلاشهایشان برباد رفته است: « قُلْ هَلْ نُنَبِّئُکُمْ بِالْأَخْسَرِینَ أَعْمالاً- الَّذِینَ ضَلَّ سَعْیُهُمْ فِی الْحَیاةِ الدُّنْیا وَ هُمْ یَحْسَبُونَ أَنَّهُمْ یُحْسِنُونَ صُنْعاً».[۷۰] زیانکارترین مردم کسانی هستند که کوششهایشان در زندگی دنیا گم و نابود شده با این حال گمان می‌کنند کار نیک انجام می‌دهند.

۴.خواری وذلت در انتظار آنانند ؛در روز قیامت به بت پرستان، ولشکر شیطان گفته می شود: «وَ بُرِّزَتِ الْجَحِیمُ لِلْغاوِینَ،وَ قِیلَ لَهُمْ أَیْنَ ما کُنْتُمْ تَعْبُدُونَ،مِنْ دُونِ اللَّهِ

---

۶۸ . حجر/ ایات ۴۰الی ۴۳.

۶۹. زمر/ ۱۵.

۷۰. کهف ۱۰۳و۱۰۴.

هَلْ يَنْصُرُونَكُمْ أَوْ يَنْتَصِرُونَ،فَكُبْكِبُوا فِيها هُمْ وَ الْغاوُونَ ،وَجُنُودُ إِبْلِيسَ أَجْمَعُونَ ».[۷۱] ای گمراهان آشکار می‌گردد،و به آنها گفته می‌شود کجا هستند معبودانی که آنها را پرستش می‌کردید؟- معبودهایی غیر از خدا، آیا آنها شما را یاری می‌کنند؟ یا کسی بیاری آنها می‌آید؟، در آن روز)که دوزخ برا پس آن بت‌ها و گمراهان (که آنها را می‌پرستیدند) به رو در آتش افروخته افکنده می‌شوند.

عبرت بزرگ

امام علی ع سرنوشت نکبت بار شیطان را بزرگترین عبرت برای انسان میداند ومی فرماید از سرگذشت زندگی شیطان وافتادن از جایگاه او به بدترین حالت ممکن ولجاجت او درابرابر دستورات الهی وستیزه ی جوی وکینه ی او نسبت به بنی آدم وفرزندانش عبرت بگیرید،عبرت بزرگ. «فاعتبروا بما کان من فعل اللّه بابلیس اذا حبط عمله الطویل وجهده الجهید وکان قد عبد اللّه ستهٔ الاف سنهٔ ... عن کبر ساعهٔ واحدهٔ فمن ذا بعد ابلیس یسلم علی اللّه بمثل معصیته»[۷۲] عبرت گیرید بندگان خدا! به آنچه خداوند در مورد ابلیس انجام داد که اعمال طولانی و کوششهای فراوان او را، در حالی که شش هزار سال عبادت کرده بود،.. به خاطر یک ساعت تکبر بر باد داد، پس چگونه ممکن است کسی همان کار ابلیس را انجام دهد و از غضب خداوند در امان بماند"؟

حزب الله پیروز میدان

در داوریی بین دو جبهه که کدام یکی از دو طرف پیروز گشته ویا شکست خورده است. باید متناسب با اهداف ملاک ومعیار مشخص وتعریف روشنی از شکست وغلبه و پیروزی وجود داشته باشد تابشود براساس آن داوری کرد.

درجنگ بین حزب الله وحزب شیطان، جنگ برسر اصل سرمایه ی انسانی است، در

---

۷۱. شعراء۹۱، ۹۵.

۷۲. نهج البلاغه خطبه ۱۹۲ خطبه قاصعه.

جبهه حزب الله هدف حفظ هویت،منیّت وکرامت انسانی انسان می باشد. تمام هدف ابلیس وشیاطین، این است که این سرمایه را از انسان بگیرد. حال اگر کسی مثل امام حسین (ع) برای حفظ این هویت انسانی بجنگد و شهید گردد، آیا شکست خورده است یا پیروز گشته؟

درجنگ وقیام امام حسین(ع) طرف امام یزید پیروانش نبود، این ها انسان بودند، منتها انسان های که کرامت شان را شیطان دزدیده بود! امام علیه السلام نهایت تلاشش راکرد که این ها کرامت انسانی خود شان را باز یایند و دورباره به به دامن انسانیّت برگردند.لذا امام در یکی از خطبه هایش فرمود«استحوذ علیکم الشیطان».[۷۳] شیطان برشما ها مسلط گشته است. پس دشمن امام شیطان بودند نه انسان. آیا امام حسین علیه السلام دربرابر خواست شیطان تسلیم شد؟ آیا شهادت او واصحابش شکست بود؟ مسلم است هیچ منطقی وعاقلی نمی گوید ؛ هر که برای آزادی انسان ها از اسارت نفس وسلطه ی شیطان درونی وبیرونی بجنگد ودر این راه کشته شود ویا بکشد شکست خورده است. بلکه بلا شک، درهردو صورت پیروز و غالب میدان است. چون آن کسی که به اهداف خودنرسید شیطان بود.

قرآن کریم جواب این شبهه ی مضحک را درمقابل منافقین صدر اسلام بیان فرموده است« قُلْ هَلْ تَرَبَّصُونَ بِنا إِلَّا إِحْدَى الْحُسْنَيَيْنِ وَ نَحْنُ نَتَرَبَّصُ بِكُمْ أَنْ يُصِيبَكُمُ اللَّهُ بِعَذابٍ مِنْ عِنْدِهِ أَوْ بِأَيْدِينا فَتَرَبَّصُوا إِنَّا مَعَكُمْ مُتَرَبِّصُون».[۷۴] گو: «آیا درباره ما، جز یکی از دو نیکی را انتظار دارید؟! (یا پیروزی یا شهادت) ولی ما انتظار داریم که خداوند، عذابی از سوی خودش (در آن جهان) به شما برساند، یا (در این جهان) به دست ما (مجازات شوید) اکنون که چنین است، شما انتظار بکشید، ما هم با شما انتظار می‌کشیم!»

---

۷۳ . بحارالأنوار، ج ۴۵، ص ۶.

۷۴ .توبه / ۵۲.

شیطان درواقع بافریب دادن یزیدیان وسپاه او می خواست شکستی که ازبدوی خلقت آدم خورده بود با به انحراف کشیدن اولاد آدم(ع) از مسیر توحید ویکتا پرستی آن شکست را جبران کند. امام (ع)نه تنهاچیزی را از دست نداد، بلکه با شهادتش کرامت انسانی را به اوج کمال رساند. خداوند می فرماید درهردوصورت او پیروزاست! « فَلْيُقاتِلْ فی سَبيلِ اللَّهِ الَّذينَ يَشْرُونَ الْحَياةَ الدُّنْيا بِالْآخِرَةِ وَ مَنْ يُقاتِلْ فی سَبيلِ اللَّهِ فَيُقْتَلْ أَوْ يَغْلِبْ فَسَوْفَ نُؤْتيهِ أَجْراً عَظيماً».[۷۵] کسانی که زندگی دنیا را به آخرت فروختهاند، باید در راه خدا پیکار کنند! و آن کس که در راه خدا پیکار کند، و کشته شود یا پیروز گردد، پاداش بزرگی به او خواهیم داد.

امام حسین (ع) خود ولی خداوند است ؛کسانی تحت ولایت خدا ورسول اوباشند پیروزند« وَ مَنْ يَتَوَلَّ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ وَ الَّذينَ آمَنُوا فَإِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْغالِبُونَ».[۷۶] و کسانی که ولایت خدا و پیامبر او و افراد باایمان را بپذیرند، پیروزند (زیرا) حزب و جمعیّت خدا پیروز است.

گونه های بهره مندی از ولایت ولی خدا

هرکسی به محض که تحت ولایت خدا و ولی او قراربگیرد از امتیازات خاصی برخور دار است، نصرت الهی شامل حال آن ها می شود. دارای امنیّت ، آرامش وسکینه است از نعمت آزادی اختیار بهره مند است، آینده ی روشن وسعادت دنیا واخرت در انتظار آن ها است.خداوند دربسیاری ازآیات صفات کسانی که تحت ولایت خدا وانبیاء و معصومین (ع) قرار دارند را بیان فرموده است.که در ذیل به ذکر چند نمونه پرداخته می شود:

۱.آرامش دارند: «هُوَ الَّذی أَنْزَلَ السَّكينَةَ فی قُلُوبِ الْمُؤْمِنينَ لِيَزْدادُوا إيماناً مَعَ إيمانِهِمْ وَ لِلَّهِ جُنُودُ السَّماواتِ وَ الْأَرْضِ وَ كانَ اللَّهُ عَليماً حَكيماً».[۷۷] او کسی است که

---

۷۵ .نساء/۷۴.

۷۶ . مائدة/۵۶.

۷۷.فتح/ ۴.

آرامش را در دلهای مؤمنان نازل کرد تا ایمانی بر ایمانشان بیفزایند لشکریان آسمانها و زمین از آن خداست، و خداوند دانا و حکیم است.

۲. ترس وحزن ندارند: «قُلْنَا اهْبِطُوا مِنْها جَمیعاً فَإِمَّا یَأْتِیَنَّکُمْ مِنِّی هُدیً فَمَنْ تَبِعَ هُدایَ فَلا خَوْفٌ عَلَیْهِمْ وَ لا هُمْ یَحْزَنُونَ».[۷۸] گفتیم: «همگی از آن، فرود آیید! هر گاه هدایتی از طرف من برای شما آمد، کسانی که از آن پیروی کنند، نه ترسی بر آنهاست، و نه غمگین شوند.»

۳. همیشه پیروزند: «وَ لَقَدْ سَبَقَتْ کَلِمَتُنا لِعِبادِنَا الْمُرْسَلِینَ، إِنَّهُمْ لَهُمُ الْمَنْصُورُونَ، وَ إِنَّ جُنْدَنا لَهُمُ الْغالِبُونَ».[۷۹] وعده قطعی ما برای بندگان مرسل ما از قبل مسلم شده. که آنها یاری می‌شوند- و لشکر ما (در تمام صحنه‌ها) پیروزند.

۴. شکست ناپذیرند :کَتَبَ اللَّهُ لَأَغْلِبَنَّ أَنَا وَ رُسُلی إِنَّ اللَّهَ قَوِیٌّ عَزیزٌ».[۸۰] خداوند چنین مقرر داشته که من و رسولانم پیروز می‌شویم چرا که خداوند قویّ و شکست‌ناپذیر است.

۵. در دژ وحصار محکم الهی قرار دارند: «وَ جَعَلَ کَلِمَةَ الَّذینَ کَفَرُوا السُّفْلی وَ کَلِمَةُ اللَّهِ هِیَ الْعُلْیا وَ اللَّهُ عَزیزٌ حَکیمٌ».[۸۱] کلمه آنان را که کافر شدند پائین و کلمه خدا آنست بالا و خدا غالب درستکردار است.

نتیجه

طبق وعده های صریح خداوند حزب الله وجندالله هم بردشمنان درونی ؛نفس امّاره و مسوّله وهم بردشمن قسم خورده وکینه توز بیرونی یعنی شیطان غلبه کرده وپیروز می شود.آیات ذیل به عنوان مدرک این قاعده بیان کننده ی وعده ی قطعی

۷۸.بقره / ۳۸.

۷۹. صافات/آیات ۱۷۱،الی ۱۷۳.

۸۰ . مجادله/۲۱.

۸۱. توبه/۴۰.

براین مهم است: ۱.«فَإِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْغالِبُونَ».[۸۲] وکسانی که ولایت خدا و پیامبر او و افراد با ایمان را بپذیرند، پیروزند (زیرا)حزب و جمعیّت خدا پیروز است. ۲.«وَ لَقَدْ سَبَقَتْ کَلِمَتُنا لِعِبادِنَا الْمُرْسَلِینَ، إِنَّهُمْ لَهُمُ الْمَنْصُورُونَ)، إِنَّ جُنْدَنا لَهُمُ الْغالِبُونَ».[۸۳] وعده قطعی ما برای بندگان مرسل ما از قبل مسلم شده، که آنها یاری می‌شوند، و لشکر ما در تمام صحنه‌ها پیروزند.۳.« کَتَبَ اللَّهُ لَأَغْلِبَنَّ أَنَا وَ رُسُلی إِنَّ اللَّهَ قَوِیٌّ عَزِیزٌ».[۸۴] خداوند چنین مقرر داشته که من و رسولانم پیروز می‌شویم چرا که خداوند قویّ و شکست‌ناپذیر است.

شیطان وحزب او وطاغوت شکست خورده وخسارت دیده اند:« اسْتَحْوَذَ عَلَیْهِمُ الشَّیْطانُ فَأَنْساهُمْ ذِکْرَ اللَّهِ أُولئِکَ حِزْبُ الشَّیْطانِ أَلا إِنَّ حِزْبَ الشَّیْطانِ هُمُ الْخاسِرُونَ».[۸۵] شیطان برآنان مسلّط شده و یاد خدا را از خاطر آنها برده آنان حزب شیطانند! بدانید حزب شیطان زیانکارانند.

---

۸۲ . مائدة/ ۵۶

۸۳ .شعراء،ژ ۱۷۱، الی ۱۷۳.

۸۴ . مجادله /۲۱.

۸۵. مجادلة/۱۹.